

لزوم گذار از «تعهد به وسیله» به «تعهد به نتیجه» در تفسیر تعهدات دولت در اصل سوم قانون اساسی

سیداحمد حبیب‌نژاد*
سیده زهرا سعید**

تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۲

۵۹

حقوق اسلامی / سال چهاردهم / شماره ۵۳ / تابستان ۱۳۹۶

چکیده

اصل سوم قانون اساسی، بیانگر تعهدات دولت - به معنای قوای حاکمه - در برابر ملت است. علی‌رغم دیدگاه غالب در تعهد به وسیله دانستن تعهدات دولت، معیارهایی نظیر برخی عبارات و الفاظ اصل سوم، نقش مؤثر متعهدله، برخی رویه‌های شورای نگهبان، لزوم توجه به گذر زمان، همگامی با مقتضیات نوین اجتماعی و مهم‌تر از همه لزوم تفسیر به نفع شهروندان می‌تواند ما را به سویی بکشانند که دست کم برخی از تعهدات مذکور در اصل سوم را جزو تعهدات فوری بدانیم که در هر صورت دولت مکلف به انجام آن است. تعهدات دولت در قبال حقوق مدنی و سیاسی و دست کم در مورد حداقل‌های حقوق رفاهی از این نوع تعهدات برشمرده می‌شود. قابلیت مطالبه قضایی و امکان استناد در آرای قضایی و تغییر در بار اثباتی آن از ثمرات اثبات به نتیجه‌بودن تعهدات دولت است. مقاله حاضر پس از تحلیل مفاهیم، به معیارهای تمیز دو نوع تعهد و اثبات به نتیجه‌بودن اکثر تعهدات دولت در اصل سوم می‌پردازد و در نهایت ثمرات حقوقی بحث را بیان کند.

واژگان کلیدی: اصل سوم، تعهدات دولت، تعهد به وسیله، تعهد به نتیجه، مطالبه قضایی، قابلیت استناد.

* استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (a.habibnezhad@ut.ac.ir).

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران (sz.saeid@ut.ac.ir).

مقدمه

بر خلاف دولت‌های غیرمدرن که در آن، دولت‌ها فقط منبع حق بودند و مورد تکلیفی قرار نمی‌گرفتند، در دولت‌های مدرن، دولت‌ها به همان اندازه که حق دارند، به همان اندازه تکلیف و مسئولیت و تعهد دارند. این تعهدات دولت معمولاً در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی درج می‌شود و قوه مؤسس از دولت‌ها خواستار عمل به این تعهدات را دارند. قوه مؤسس جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم قانون اساسی به این کار اهتمام نشان داده است.

حق اساسی، حق منبعث از قانون اساسی (ر.ک: حبیب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵) حقی است که به وسیله یک قاعده اساسی، یعنی قاعده‌ای که بر قوانین عادی برتری دارد، وضع شده باشد. این حق‌ها مهم‌ترین تجلی‌گاه درجه احترام حکومت به حقوق و آزادی‌های عمومی شهروندان است. حق اساسی حقی است که فرد در مقابل دولت دارا می‌باشد. محتوای حق در پاره‌ای موارد فعل و در موارد دیگر ترک فعل از جانب دولت است. داشتن یک حق فردی در مقابل دیگری بدین معناست که بتوان از وی رفتار مشخصی را انتظار داشت (گواستی، ۱۳۷۰، ص ۳۷۰-۳۷۱). ارزیابی رفتار دولت بسته به اینکه تعهدش از چه نوع باشد، متفاوت است. اگر تعهدات از نوع «به وسیله» باشد، دولت تنها در تهیه وسایل در حد امکانات موجود وظیفه دارد، هرچند به نتیجه مطلوب نرسد. در این حالت دولت در عدم تحقق هدف مسئول شناخته نمی‌شود و تنها در صورت تقصیر در به‌کارگیری وسایل مسئول است؛ درحالی‌که در تعهد به نتیجه، تحقق کامل هدف مد نظر است و صرف عدم دستیابی به نتیجه مقصود در فرض فقدان عوامل خارجی، موجب مسئولیت است. از ابتدای تصویب قانون اساسی تا به امروز، حقوقدانان در تفسیر اصل سوم، از به‌وسیله‌بودن تعهدات دولت به‌طورمستقیم و غیرمستقیم یاد کرده‌اند؛ از جمله افرادی که به تفسیر به وسیله بودن تعهدات دولت معتقدند، می‌توان به آیت‌الله عمید زنجانی که در کتاب **فقه سیاسی** به نحو غیرمستقیم این نظر را پشتیبانی می‌کنند و آقای ساعد وکیل که در کتاب **قانون اساسی در نظم کنونی** صراحتاً این نظر را بیان می‌کنند، اشاره کرد. درحالی‌که با مذاقه در معیارهای تمیز تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه و لحاظ عنصر زمان و تغییر اوضاع و احوال

به واسطه تثبیت نظام و وجود منابع و امکانات فراوان، نیازمند یک چرخش نگرشی مترقیانه در تفسیر حقوقی از اصل سوم هستیم.

پژوهش حاضر در صدد اثبات تعهدات دولت در قالب تعهدات به نتیجه در خصوص بندهای اصل سوم یا دست کم برخی از بندهای این اصل است. در این راستا پرسش اصلی مقاله به دنبال پاسخ گویی به این مطلب است که تعهدات دولت در اصل سوم از نوع تعهد به وسیله است یا تعهد به نتیجه؟ و چرا باید به سمت تفسیر به نفع تعهد یا تعهد فوری به نتیجه دگر دیسی داشته باشیم؟ بر همین اساس، پرسش های فرعی مطرح می شود که بررسی آنها برای پاسخ گویی به سؤال اصلی لازم است. مراد از تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه چیست؟ معیارهای تمیز این دو نوع تعهد کدام است؟ ثمره حقوقی بحث گونه شناسی تعهدات چیست؟ در تحقیق حاضر به تبیین و بررسی موارد فوق می پردازیم.

۶۱

۱. تحلیل ماهوی اصل سوم قانون اساسی*

اصل سوم* با قرارگرفتن در ابتدای قانون اساسی، در زمره اصول کلی قانون اساسی

- * دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:
- الف) ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
- ب) بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر؛
- پ) آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
- ت) تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛
- ث) طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
- ج) محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
- ح) تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
- خ) مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛
- د) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی؛
- ذ) ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور؛
- ر) تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛

قرار می‌گیرد. این اصل بدین شکل در پیش‌نویس اولیه قانون اساسی وجود نداشته و اصل متناظر تنها به صورت کوتاه به مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته بود. پیش‌نویس اولیه اصل سوم قانون اساسی بیان می‌کرد: «جمهوری اسلامی ایران در استقرار جامعه توحیدی معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد». برخی حقوق‌دانان بیان کرده‌اند که اصول کلی قانون اساسی پایه‌ها را تبیین می‌کند و اصول بعدی قانون اساسی در فصول بعد الزامات را بیان می‌کند. مفهوم مخالف این نظر آن است که اصول کلی الزام‌آور نیستند؛ چراکه این اصول بعدی هستند که الزام‌ها را مشخص می‌کنند (رحمانی، ۱۳۹۵، ص ۶)؛ درحالی‌که شایسته است تمامی اصول قانون اساسی به عنوان یک پیکره واحد، قابلیت استناد داشته باشند.

نایب رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص سخنان یکی از نمایندگان این مجلس درباره مبنا و جایگاه اصل سوم قانون اساسی و توجیه ضرورت تدوین آن می‌گوید: «درج این اصل در اینجا بدین منظور است که یکی به صورت فشرده، وظیفه قانون‌گذاری و اجرای قانون را در آینده مشخص کند و جهت کلی قانون اساسی ما را در شاخه‌های مختلف نشان بدهد و هم برای خود ملت ما که امروز در انتظار آن هستند که قانون اساسی می‌خواهد چه مسائلی از مسائل آنان را اولویت بدهد و هم برای سایر مردم، روشن‌گر کلی راه باشد» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۲۷۸). هرچند نمایندگان سعی داشتند بین اهداف، روش‌ها و پایه‌ها تفکیک قایل شوند، اما امکان تفکیک فراهم نشد؛ چراکه به‌سادگی نمی‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. اصول

ز) پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف‌ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛
س) تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها؛
ش) تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛

ص) توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛
ض) تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

ابتدایی قانون اساسی درهم تنیده و با هم مرتبطاند. اصل سوم قانون اساسی در واقع کامل‌کننده اصل دوم است. در خصوص ماهیت بندهای اصل سوم مذاکراتی در مجلس خبرگان قانون اساسی صورت گرفت. برخی بندهای اصل سوم را آرمان و برخی آنها را هدف می‌دانستند. آرمان آن چیزی نیست که دولت بتواند از همان روز اول آن را تأمین کند، بلکه چیزهایی است که در حد آرزو باشد؛ پس آرمان هدفی است دوردست که سریع محقق نمی‌شود. به‌طور خلاصه اصل سوم را می‌توان «برنامه‌هایی» برای نیل به اهداف مندرج در اصل دوم یا «اهداف تفصیلی» در راستای اهداف اجمالی اصل دوم یا اینکه «اهداف میانی» برای اهداف نهایی اصل دوم دانست (همان، ص ۲۸۷-۳۰۷).

فارغ از مباحث پیش‌گفته درباره اصل سوم، این اصل را باید مبین تعهدات دولت جمهوری اسلامی ایران، به معنای قوای حاکم، دانست. این تعهدات در برابر حقوق ملت شکل می‌گیرد، با این توضیح که از آنجاکه هر حقی مستلزم تکلیفی و هر تکلیفی مستلزم وجود حقی است، می‌توان بیان داشت که تمامی وظایف و تعهدات دولت در اصل سوم، ناظر به حقوق مردم در جنبه‌های مختلف است. تقریباً همه بندهای اصل سوم- به غیر از بند ۱۵ و ۱۶ که به تعهدات دولت اسلامی در برابر امت اسلامی و مستضعفین جهان اشاره دارد و مشتمل بر تعهدات جهانی است- در مقابل یکی از دسته‌بندی‌های حقوق بشری- در اینجا حقوق شهروندی- قرار دارد. تعهدات دولت در مواردی نظیر «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی»، «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش»، «ایجاد امنیت قضایی عادلانه» در برابر حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، «آموزش و پرورش رایگان»، «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه» و «رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» نیز در مقابل حقوق اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد. به‌علاوه عباراتی مانند «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» و «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌ها» نشان‌دهنده تعهدات دولت در برابر حقوق فرهنگی* است.

* هرچند حقوق فرهنگی به دلیل پیچیدگی مقوله فرهنگ و نسبییت این امر، مدت زمان زیادی نیست که مطرح شده است، اما می‌توان مواردی نظیر حمایت از آثار هنری، نهادهای فرهنگی و قواعد حاکم

۲. مفهوم‌شناسی گونه‌های تعهدات

در حوزه حقوق خصوصی تعهدات را به دو دسته تعهد به نتیجه و به وسیله تقسیم می‌کنند. در تعهد به وسیله، متعهد انجام کار معین یا دستیابی به نتیجه خاصی را بر عهده نمی‌گیرد، بلکه تعهد می‌کند که تمامی صلاحیت‌ها و کوشش و تلاش متعارف را برای رسیدن به نتیجه انجام دهد و در این راه همانند یک شخص متعارف در آن اوضاع و احوال رفتار نماید (نصیری خوزانی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). تعهد به نتیجه یعنی فرد باید نتیجه حاصله از آن عقد را در اختیار قرار دهد (امامی، ۱۳۴۰، ص ۴۵۹). در تعهد به نتیجه، متعهد باید آنچه را که دقیقاً در قرارداد بر عهده گرفته است، انجام دهد و در صورتی که نتیجه تعیین شده را در اختیار متعهدله قرار ندهد، مسئول تلقی می‌گردد؛ زیرا متعهد مکلف به تدارک حق ذی‌حق است؛ درحالی‌که در تعهد به وسیله، تلاش به تدارک حق در حد توان می‌گردد (قاری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴) و باید در وسیله وصول به آن غرض، احتیاط‌ها و اقدامات لازم را به کار گیرد (لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰۸). در واقع تعهد به وسیله، تعهد به تلاش برای نیل به مقصود است. آنچه در این تعهد مهم است، اعمال میزان معینی تلاش از سوی مدیون برای اجرای تعهدش است (سنه‌وری، ۱۳۸۲، ص ۴۷۹).

در تعهد به وسیله اثبات این امر که قرارداد به نتیجه مورد نظر نرسیده است، برای اثبات عدم اجرای عقد کافی نیست؛ زیرا متعهد وصول به نتیجه خاص را بر عهده نگرفته بوده است؛ بنابراین متعهدله ناگزیر است ثابت کند متعهد رفتار متعارف نداشته است و در انجام تعهد و تمهید به وسیله معهود کوتاهی کرده و به بیان دیگر مرتکب تقصیر شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹)؛ اما در تعهدات به نتیجه، قضیه به صورت دیگری است؛ متعهد به نتیجه راه‌گزینی جز اجرای تعهد ندارد، اثبات بی‌تقصیری کفایت نمی‌کند، بلکه در صورت عدم اجرای تعهد باید وجود قوه قاهره را به اثبات برساند و کافی نیست که متعهد تلاش خود را اثبات کند، بلکه یا باید نتیجه را در

بر آنها، حق برخورداری از محیط زیست فرهنگی، حق بر خلاقیت و نوآوری، حق بهره‌مندی از پیشرفت علمی و حق همکاری فرهنگی بین‌المللی را از جمله مقولات زیرمجموعه حقوق فرهنگی نام برد (ر.ک: حبیب‌نژاد، ۱۳۹۵ الف، ص ۳۰-۴۰ / طجلو، ۱۳۹۳، ص ۳۲۱-۳۳۶).

اختیار متعهدله قرار دهد یا دخالت یک عامل خارجی را در عدم تحقق نتیجه ثابت نماید (تفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۳-۱۴).

این تقسیم‌بندی ابتدا در حقوق خصوصی در باب حقوق تعهدات مطرح گردید و رفته‌رفته به بخش‌های دیگر کشیده شد و به تدریج اندیشه تطبیق این مفاهیم با تعهدات دولت در زمینه حق رأی مردم و تهیه امکانات اقتصادی نیز نمایان شد (قاری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴)؛ هرچند می‌توان در ساحت حقوق عمومی و حوزه تعهداتی که متعهد در آن دولت است، با کمی سختی بیشتری عمل نمود و تفاسیری را داشت که به نفع متعهدله (شهروندان) باشد.

۳. خوانش تعهد به وسیله در اصل سوم

از ابتدای تصویب قانون اساسی، حقوقدانان در کتب حقوق اساسی به نحو غیرمستقیم و مستقیم تمامی تعهدات دولت در اصل سوم را تعهدات به وسیله قلمداد کرده و بیان داشته‌اند که وظایف مذکور در اصل سوم اختصاص به حکومت ندارد و از مسئولیت‌های مشترک بین حکومت و مردم است و باید با همیاری و مشارکت افراد ملت انجام پذیرد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱)؛ همچنین با تکیه بر عبارت «امکانات موجود» در صدر اصل، مفهوم تعهد به وسیله را در خصوص تعهدات دولت استخراج کرده‌اند و با تلقی کلیه بندهای اصل مذکور به نحو آرمانی، این مفهوم را توسعه داده‌اند. این گروه در تأیید تفسیر خود بیان داشته‌اند که در قوانین اساسی تمام کشورها یک سلسله اصول و اهداف آرمانی نیز مطرح شده که باید آنها را از جمله «تعهدات به وسیله» دولت‌ها تلقی نمود (وکیل، ۱۳۹۱، ص ۵۵).

اما به نظر می‌رسد این خوانش که به صورت عرفی از عبارات اصل سوم برداشت می‌شود و شاید منطبق بر پارادیم‌های حاکم بر حقوق خصوصی است، نمی‌تواند در تفسیر میثاق ملی (قانون اساسی) نیز حاکم تلقی گردد. هرچند در خصوص برخی موارد با اطمینان می‌توان گفت که جزو تعهدات به وسیله است - برای مثال مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مسلماً جزو این نوع تعهدات است؛ همچنین چون تعهدات جهانی دولت بستگی به عامل

خارجی دارد، به درستی باید آن را جزو تعهدات به وسیله دانست - اما به نظر می‌رسد لازم است به جای حکمی کلی در تشخیص نوع تعهدات در خصوص اصل سوم، معیارهایی را بیان نمود و در تمیز تعهدات در اصل سوم آنها را به کار بست.

۴. بررسی معیارهای تمیز نوع تعهدات در اصل سوم قانون اساسی

برای بازشناسی تعهدات و تشخیص به وسیله یا به نتیجه بودن تعهد، نیازمند سنجه و معیار هستیم که با تطبیق این معیارها با مفاهیم و اصول حقوق عمومی می‌توان از آنها نیز در خصوص بازشناسی تعهدات دولت استفاده کرد.

۴-۱. قصد قانون‌گذار

اولین معیار تمیز در نوع تعهدات «تحلیل اراده طرفین» است. در برگردان این اصل به ساحت حقوق عمومی و بر اساس اصول قرارداد اجتماعی باید قصد قانون‌گذار را جایگزین سنجه تحلیل اراده طرفین کرد. ظاهر نص قانون اساسی، مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و استعانت از سایر اصول قانون اساسی ما را در کشف مراد مقنن یاری می‌کند.

ظاهر اصل سوم در بادی امر با گنجانیدن عبارت «امکانات موجود» در صدر آن، مفهوم تعهد به وسیله را در خصوص تعهدات دولت القا می‌کند؛ لکن ماهیت همه تعهدات مندرج در اصل سوم، وسیله بودن تعهدات را به ذهن متبادر نمی‌کند. گزاره «تحقق کامل حق‌ها» و عباراتی با این مفهوم، بیانگر به نتیجه بودن تعهدات است (متیوسی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰)؛ لذا حتی در نگاه ابتدایی به اصل سوم نیز برخی از بندها ذاتاً نمی‌توانند تعهد به وسیله باشند. گزاره‌های «طرد کامل استعمار»، «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»، «رفع تبعیضات ناروا در تمام زمینه‌ها»، «رفع فقر»، «برطرف ساختن هر نوع محرومیت» و «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد» رسانای مفهوم تحقق کامل حق‌هاست که با وسیله بودن تعهدات دولت جمع نمی‌شود.

مشروح مذاکرات منبع دیگری برای کشف مراد مقنن است. تقسیم تعهدات دولت به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه در زمان تدوین پیش‌نویس قانون اساسی و حتی

هنگام مذاکرات خبرگان قانون اساسی و تصویب متن قانون اساسی، مطرح نبوده و مشروح مذاکرات به نحو مستقیم نفیاً و اثباتاً این موضوع را ثابت نمی‌کند. از یک سو تأکید بر وظیفه ملت در تحقق اهداف مندرج در اصل سوم به نحو ضمنی بر به وسیله بودن تعهدات دولت دلالت می‌کند و از سوی دیگر تأکید بر هدف‌بودن و رد آرمانی‌بودن بندهای اصل سوم به نحو ضمنی بر به نتیجه‌بودن تعهدات دولت اشعار دارد. در این رابطه یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بیان می‌کند که آرمان به معنای هدف دور است؛ آرمان چیزی نیست که دولت بتواند در روز اول تأمین کند. وی با استبعاد از آموزش و پرورش رایگان و ارزان‌کردن ارزاق مردم به عنوان آرمان سخن می‌گوید (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۲۸۳) بنابراین تفسیر تعهدات دولت به تعهد به وسیله در واقع مغایر با مذاق قانون‌گذار است؛ چراکه قانون‌گذار اساسی علی‌رغم متن پیش‌نویس اصل سوم جنبه آرمانی آن را نفی می‌کند و این امر نشان‌دهنده قصد و اهتمام ایشان بر تحقق کامل حق‌های مندرج در قانون اساسی علی‌الخصوص اصل سوم است. اصل سوم پیش‌نویس گروه مربوط به مجلس بررسی قانون اساسی مقرر می‌داشت: «جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را در راه رسیدن به آرمان‌های زیر به کار برد...».

از آنجا که نسبت اصل سوم به سایر اصول قانون اساسی نسبت اجمال و تفصیل است (همان، ص ۲۸۸)، سایر اصول قانون اساسی در تفسیر اصل سوم نقش بسزایی دارند. بر این اساس اگر کسی قایل شود که در ظاهر و به موجب عبارات صدر اصل سوم تعهدات دولت از نوع تعهدات به وسیله است که دولت باید حداکثر تلاش خود را برای نیل به آنها انجام دهد، اما اصل اصیل یکپارچه‌بودن قانون اساسی و یک «کل» بودن آن و بر اساس اصول دیگر قانون اساسی نشان می‌دهد که دست‌کم در برخی بندها تعهدات دولت به نتیجه است؛ برای نمونه اصل ۳۰ قانون اساسی* در مورد آموزش و پرورش رایگان، به تعهد سنگین دولت و به نتیجه بودن تعهد مزبور اشاره می‌کند. همچنین اصل ۲۹ قانون

* اصل سی‌ام قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

اساسی* در خصوص تأمین اجتماعی و تعمیم بیمه از این قسم است.

۲-۴. موضوع و نوع تعهد

برای تکمیل معیار اول، معیار موضوع و نوع تعهد مد نظر قرار می‌گیرد. بر این اساس نوع و موضوع تعهد مؤثر بر جنس تعهدات متعهدله می‌باشد. از این روست که تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق مدنی و سیاسی تعهد به نتیجه و تعهدات دولت‌ها را در برابر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تعهد به وسیله دانسته‌اند. دولت‌ها برای تدارک حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس توانایی‌ها و امکانات خود عمل خواهند کرد. حقوق مدنی و سیاسی بر خلاف حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است به آسانی از سوی خود دولت‌ها و بر اساس مداخله آنان به مخاطره افتد؛ بنابراین مسئله در «در حد امکانات» موجود که در حقوق اقتصادی و اجتماعی معنادار است، در این دسته از حق‌ها- حقوق مدنی و سیاسی- کمتر مطرح خواهد بود. به همین دلیل متعهد فرض کردن کشور به صورت مطلق- و نه به قید امکانات موجود- در حوزه حقوق مدنی و سیاسی معقول و پذیرفتنی است؛ حال آنکه متعهد دانستن آنها در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی بدون توجه به امکانات آنها امری است غیرعملی و حتی غیرمعقول (قاری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵-۲۲۶). اگر این معیار را بپذیریم، اصل تفسیر تعهدات دولت به تعهدات به وسیله در اصل سوم متزلزل می‌شود که می‌تواند راهگشا باشد.

۳-۴. نقش مؤثر توانایی و قابلیت متعهدله در اجرای تعهد

هرگاه بخشی از سکان حرکت و اجرای تعهد بر عهده متعهدله باشد، عدم حصول نتیجه تماماً بر عهده متعهد نیست (ادیب، ۱۳۸۲، ص ۶۶). در واقع باید به نقش کنشگر و مؤثر

* اصل بیست‌ونهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «بر خورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند».

متعهدله در اجرای تعهد توجه داشت. بند ۴ (تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان)، بند ۸ (مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش)، بند ۱۳ (تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها) و بند ۱۵ (توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم) از تعهداتی است که لزوم نقش مردم در تحقق آنها نمایانگر است؛ افزون بر که قابلیت یا عدم قابلیت متعهدله در تمیز نوع تعهد یاری‌رسان است؛ بدین توضیح که در اجرای بعضی از تعهدات، میزان توانایی و قدرت فراگیری متعهدله اثرگذار است که این امر موجب به وسیله شدن نوع تعهد متعهد می‌شود. از این معیار در تشخیص تعهدات دولت در اصل سوم می‌توان یاری جست. هر چند شهید بهشتی پیشنهاد می‌کند که واژه «دولت» را در صدر اصل بیابند تا از این رهگذر ملت را نیز در بر گیرد (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ص ۲۹۲)؛ اما ظاهر واژه «دولت» رساننده این مفهوم نیست. به علاوه واگذاری اجرای برخی از بندهای این اصل به ملت غیرمعقول می‌نماید؛ زیرا در قوانین هیچ سازوکار اجرایی برای انجام تعهدات توسط مردم پیش‌بینی نشده و در پاره‌ای موارد این واگذاری درست نخواهد بود. افزون بر اینکه انجام برخی تعهدات به تصویب قانون و مقرر نیازمند است که به هیچ عنوان مردم به صورت مستقیم در تحقق آن نقش ندارند. بند ۳ (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی)، بند ۷ (تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون)، بند ۱۰ (ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور)، بند ۱۱ (تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور)، بند ۱۲ (پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف‌ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه) و بند ۱۴ (تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) بیانگر تعهداتی است که تحقق آنها تنها در ید توانمند دولت است و شهروندان توانایی و قدرت فراگیر انجام آنها را ندارند. در واقع موازنه

قدرت و امکانات و توانایی‌ها به سمت دولت بسیار سنگین‌تر است؛ به نحوی که نقش غیرفراگیر مردم قابل چشم‌پوشی است؛ لذا محکوم‌کردن ملت در عدم تحقق موارد تعهدات دولت در اصل سوم، امر غیرمنطقی است؛ بنابراین نمی‌توان برخی از بندهای اصل سوم نظیر بندهای فوق‌الذکر را تعهد به وسیله دانست.

۴-۴. احتمالی یا قطعی بودن نتیجه تعهد

چنانچه حصول نتیجه ناشی از اجرای تعهد، احتمالی باشد، متعهد نخواسته است که به یک نتیجه معین وعده دهد، بلکه تنها متعهد شده است با به‌کارگیری وسایل مناسب بدان دست یابد. بر این اساس در صورتی که نتیجه مورد نظر متعهدله بدون دشواری قابل دسترسی باشد، تعهد ناظر به نتیجه است و در صورت تأثیر احتمال در حصول نتیجه، تعهد به وسیله است (قهرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۲). به شرط عدم دخالت عامل خارجی، با توجه به قدرت و اختیار دولت در انجام تعهداتش در خصوص درجاتی از آنها- در حداقل‌هایی در بحث فقر و محرومیت در اصل سوم- می‌توان گفت که حصول نتیجه جنبه احتمالی ندارد و قابل دسترسی است.

۴-۵. معیار رویه‌ای

همچنان‌که رویه‌های قضایی در حوزه حقوق خصوصی می‌تواند نقش مؤثری در تعیین نوع تعهد به منظور اجرای عدالت داشته باشد (تفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۲۱)، به همین ترتیب مقامات رویه‌ای در حقوق عمومی می‌توانند چنین نقشی را در خصوص متون و نصوص مربوطه ایفا نمایند. با بررسی دیدگاه‌های شورای نگهبان، به عنوان مقام رسمی مفسر قانون اساسی، در رابطه با اصل سوم و استناد به آن، به این نتیجه می‌رسیم که شورای نگهبان به بندهای ۳ (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی)، ۹ (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی) و ۱۰ (ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور) در اصل سوم در موارد متعددی استناد کرده است (فتحی، ۱۳۹۳). هرچند رویه شورای نگهبان مبنی بر الزام‌آور بودن بندهای اصل سوم بیشتر

منصرف به بندهای «۱۰»، «۹» و «۳» است، ولی می‌توان انتظار داشت که این دیدگاه، بندهای دیگری را نیز شامل گردد. دلیل این تفسیر شورای نگهبان در بندهای ۹ و ۱۰ آن است که از منظر آنان این دو بند مستقیماً در بقیه اصول قانون اساسی تبیین نشده و مورد تصریح قرار نگرفته‌اند (رحمانی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵، ص ۱۴)؛ اما به هر حال همین نگاه شورای نگهبان در همین بندها نیز نشان می‌دهد که می‌توان تفاسیری مبتنی بر تعهد به نتیجه در اصل سوم داشت و لزوماً اصل سوم به‌طور کلی و در تمام بندها تعهدات به وسیله نیستند.

۵. بررسی نظریه تعهد به نتیجه بودن اکثر بندهای اصل سوم

۱-۵. ضرورت گذار از تفسیر مشهور در اصل سوم

هرچند در یک تقسیم‌بندی کلی تعهدات را به دو دسته تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله تقسیم می‌کنند، به نظر می‌رسد در حوزه حقوق عمومی و طیف بسیار بزرگ تعهدات دولت، نباید به این تقسیم‌بندی وفادار ماند؛ این تفاوت‌گذاری بی‌سابقه نیست و می‌توان مشابه این مبحث را در حوزه صلاحیت در حقوق عمومی و اهلیت در حقوق خصوصی یا وکالت در حقوق مدنی و نمایندگی در حقوق عمومی پیدا نمود (ر.ک: حبیب‌نژاد، ۱۳۸۵). می‌توان دسته‌سومی از تعهدات را شناسایی کرد که طیفی از هر دو نوع تعهد را داراست؛ یعنی در حالت‌های مختلف ماهیت این نوع تعهدات تغییر می‌کند.

این تقسیم‌بندی ابتدایی وام‌گرفته از مباحث حقوق تعهدات در حقوق خصوصی است؛ اما ورود و به‌کارگیری آن در حقوق عمومی مستلزم رعایت اصول و مؤلفه‌های حوزه مقصد است. باید توجه داشت که تعهدات دولت‌ها امری سیال است و بسته به گذر زمان و مطالبات مردم و توانایی‌ها و امکانات دولت در چهارچوب اصول ثابت و اساسی یک نظام سیاسی تغییر می‌کنند. به تناسب گذر زمان و تغییر شرایط و اوضاع و احوال جامعه، لازم است تعهدات دولت بازبینی و بازتعریف شود. چه بسا تغییر شرایط و بازشناسی سنجه‌ها و ویژگی‌های تعهدات دولت منجر به تغییر ماهیت تعهدات شود؛

همچنان‌که در اصل ۴۴ قانون اساسی این گونه شد و ضرورت‌های زمان باعث گردید تفسیری از اصل ۴۴- اصل بر خصوصی‌سازی اقتصاد- ارائه شود که با منطوق اصل ۴۴- اصل بر دولتی‌بودن اقتصاد- فاصله دارد.

در حقوق خصوصی نیز تعهداتی که تعهد به وسیله دانسته شده، به صورت همیشگی در دایره تعهد به وسیله قرار نمی‌گیرد، بلکه امکان تغییر تعهد وجود دارد؛ چنان‌که تعهد امین تعهد به وسیله دانسته شده است؛ اما این تعهد تا قبل از مطالبه است و پس از مطالبه و امتناع یا انکار، تعهد وی به نتیجه تبدیل می‌شود؛ همین گونه است در صورت تعدی یا تفریط. پس تعهد به وسیله در تمامی شرایط و به صورت دائمی در همه سیر زمانی در یک موضوع، ثابت نیست. از این بحث می‌توان جهت اثبات «ثابت‌نبودن تعهدات دولت» در گذر زمان و تغییر شرایط استفاده کرد؛ با این توضیح که در ساحت حقوق عمومی نیز ما شاهد قراردادی هستیم میان دولت و شهروندان که به «قرارداد اجتماعی» معروف است. این قرارداد اجتماعی اغلب توسط یک متن نوشته به نام قانون اساسی میان طرفین قرارداد، یعنی دولت و ملت تجلی می‌یابد. به موجب قانون اساسی حقوق و تعهداتی برای طرفین قرارداد تعبیه می‌گردد. متناظر این امر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم یک سری تعهدات را برای دولت مقرر می‌کند. هرچند حقوقدانان اغلب تعهدات دولت مندرج در اصل سوم را تعهد به وسیله می‌دانستند، اکنون پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی و پایان جنگ تحمیلی و استقرار نظام سیاسی و توانمندتر شدن متعهد (دولت) با لحاظ وجود امکانات و منابع کافی و امکان بهره‌برداری از آنها، باید تغییر تعهدات دولت از تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه را ممکن و صواب دانست که مشابه آن در «تغییر اوضاع و احوال و شرایط تعهد/ قرارداد» در قراردادهای خصوصی وجود دارد.

قائلان به وسیله بودن تعهدات دولت نیز به این مسئله اذعان داشته و در خصوص تعهدات دولت‌ها که متصف به وصف به وسیله بودن است، بیان کرده‌اند که با توجه به سطح توسعه هر کشور و تحولات موازین بین‌المللی باید قائل بر آن شد که این اصول و اهداف، رفته‌رفته جنبه عینی‌تری یافته و جزو «تعهدات به نتیجه» قرار می‌گیرد (وکیل و عسکری، ۱۳۹۱، ص ۵۵)؛ برای نمونه تعهد دولت در اصل سوم در آموزش و پرورش

رایگان گاهی در فضای اول انقلاب و نبود امکانات و ایام جنگ بررسی می‌شود که می‌توان این تعهدات را تعهد به وسیله دانست؛ ولی در فضای آرام‌تر کنونی و بعد از نزدیک به چهل سال از انقلاب نمی‌توان همچنان تعهد را به وسیله دانست و باید آن را تعهد به نتیجه قلمداد نمود. باید بیان داشت که بی‌اعتنایی به واقعیت‌های اجتماعی از معایب پافشاری بر تفسیر لفظی است. اعتقاد به منبعی خارج از قانون یک ضرورت احترام‌ناپذیر است تا حقوق‌دان منطقی و پایبند به قانون نیز بتواند عطش دستیابی به عدالت را تسکین ببخشد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). در واقع اقتضای مقتضیات زمانه آن است که اصلی را از تفسیر لفظی و منطوقی به تفسیر منطقی برساند.

در تفسیر متون حقوق عمومی و حقوق بشری باید مفاهیم و واژگان به نفع حقوق و آزادی شهروندان و توسعه آن تفسیر گردد و تا جایی که ممکن می‌باشد، نباید تفسیری ارائه نمود که به نفع بیشتر شدن غیر منطقی قدرت دولت و محدودیت بیشتر حقوق و آزادی‌های شهروندان گردد (Loveland, 2009, pp.67-69). «اصل تفسیر به نفع شهروندان» یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر تفسیر متون حقوق عمومی است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: همو، ۱۳۹۵، ص ۶۷-۷۰) که در عین حال مکمل برگردان معیار اراده طرفین به جای قصد قانون‌گذار جهت تمییز نوع تعهد نیز می‌باشد. تفسیر تعهدات دولت در اصل سوم به تعهدات به نتیجه تأمین‌کننده این اصل حاکم بر تفسیر متون حقوق عمومی است.

ذکر این مسئله نیز لازم است که از همان ابتدای مباحث علمی در خصوص تعهدات، این تقسیم‌بندی در مورد تعهد به نتیجه و وسیله مورد انتقاد بود (تفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۷)؛ اما ورود این مفاهیم به اصطلاحات حقوقی ما، به طرح و گسترش بحث کمک کرد. دکتر قاری در باب تبیین مفهوم تعهد به نتیجه در ظرف حقوق بشر پس از بازتعریف دو نوع تعهد به تعهد به انجام عمل در صورت داشتن توان و تعهد به تدارک امکانات و به‌کارگیری توان برای فراهم کردن آن، بیان می‌کنند که به نظر می‌رسد تفکیک مألوف قابل تسری به تعهدات دولت‌ها نباشد و به نظر می‌رسد شایسته است تمامی تعهدات دولت‌ها را اعم از تعهداتی که لازمه حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان یا حق‌های مدنی و سیاسی آنان است، از نوع دوم

دانست (قاری، ۱۳۸۸، ص ۴۵). در واقع وفاداری به دوگانه متصلب «تعهد به نتیجه» و «تعهد به وسیله» آنچنان که در حقوق خصوصی است، در خصوص ماهیت تعهدات دولت‌ها از بین رفته است.

از مؤیدات این دیدگاه تحلیل جدیدی است که از تعهدات حقوق بشری دولت‌ها ارائه می‌گردد. در این دیدگاه و مطابق اسناد بین‌المللی تعهدات دولت‌ها در قبال حق‌های مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سه سطح قابل تحلیل است: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا. تعهد به احترام دولت را ملزم می‌کند که از مداخله بپرهیزد. تعهد به حمایت بیانگر پشتیبانی و حمایت دولت از حقوق در برابر دیگران است. تعهد به ایفا دولت را ملزم می‌سازد اقدامات ضروری برای تضمین برآورده شدن نیازهای فرد که با تلاش خود فرد قابل تأمین نیست، اتخاذ کند (Hervey, 2003). به نظر می‌رسد تعهد به ایفا رابطه نزدیک‌تری با تعهد به نتیجه دارد. قصور در عمل به یکی از این سه نوع تعهد، موجب نقض حقوق میثاقین می‌شود. همچنین در یک مدل پیشنهادی در باب تعهدات دولت در قبال حقوق بنیادین، تعهدات دولت را به تعهد به جلوگیری از محرومیت، حمایت در برابر محرومیت و کمک به محرومیت تقسیم کرده‌اند (Peyne, 2008).

۲-۵. بازتعریف تعهد به نتیجه

فارغ از استدلال‌های فوق جهت اثبات لزوم گذار تفسیر تعهدات دولت از تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه، می‌توان منشأ برداشت‌ها و اظهار نظر‌ها در مورد «به وسیله بودن تعهدات دولت» را نگاهی غیرجامع به برداشت غالب از تعهدات به نتیجه دانست. در واقع با بازتعریف «تعهد به نتیجه» می‌توان مسئله را حل کرد؛ با این توضیح که اکثریت، تعهد به نتیجه را به «تعهد به نتیجه فوری» منحصر دانسته‌اند و بر این اساس امتناع تحقق این اهداف در نظرشان پیش آمده و نتیجه گرفتند که تعهدات دولت در اصل سوم تعهد به وسیله است. در حالی که اگر عنصر «تدریجی بودن» را در تعریف لحاظ کنیم، مشکل برطرف می‌شود. در واقع باید این‌گونه بیان کرد که تحقق نتیجه تعهد، گاهی فوری و گاهی تدریجی است؛ چنان‌که در تعریف کمیسیون حقوق

بین الملل آمده است: «تعهد به نتیجه به معنای آن است که دولت را ملزم می‌دارد» از طریق جریانی رفتاری " - اعم از فعل و ترک فعل - به نتیجه خاصی دست یابد و شکل رفتار به صلاحدید و اختیار دولت‌ها نهاده شده است» (Yearbook of the International Law Commission, 1978).

این تفکیک بیانگر این واقعیت است که پاره‌ای از تعهدات در کوتاه‌مدت قابل دستیابی به صورت کامل نیست و به گذشت مدت زمان معقولی برای تحقق کامل آنها نیاز است. اما این نکته نباید تعهد را از معنا تهی و بی‌اثر کند. در واقع هنگامی که اجرای کامل تعهدات امکان‌پذیر نیست، بر مبنای قاعده عقلی، اجرای آن مقدار که میسر است، لازم می‌باشد؛ لذا به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که تعهدات به نتیجه دولت در مورد حقوق سیاسی و مدنی و در مورد حداقل‌های حقوق اقتصادی و اجتماعی قابل مطالبه است.

بنابراین، این دیدگاه که تمامی تعهدات مندرج در اصل سوم را تعهد به وسیله می‌داند، درست نیست، بلکه باید قائل به تفصیل شد. برخی از تعهدات، تعهد به وسیله و اغلب تعهد به نتیجه می‌باشد. با در نظر گرفتن عنصر زمان و تغییر اوضاع و احوال و شرایط به همراه سنجش معیارهای تمیز تعهدات، در می‌یابیم که برخی از بندهای اصل سوم فاقد ویژگی‌های تعهد به وسیله هستند؛ لذا در دسته تعهدات به نتیجه قرار می‌گیرند؛ همچنین با امعان نظر به تقسیم تعهدات دولت به‌ویژه در مورد حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قالب فوری و تدریجی می‌توان بیان کرد که تعهد دولت در رابطه با حداقل‌های حقوق از نوع تعهد به نتیجه فوری و فراتر از معیارهای حداقلی تعهد به نتیجه تدریجی است؛ افزون بر آنکه تعهدات دولت در خصوص حقوق مدنی و سیاسی از نوع تعهد به نتیجه است. در عین حال توجه به این نکته لازم است که برخی از بندها نظیر بند (۸) که نیازمند مشارکت و حضور مردم است و بخشی از بندهای (۱۵) و (۱۶) که مشعر به تعهدات جهانی دولت و عنصر خارجی دخیل در آنهاست، در زمره تعهدات به نتیجه قرار نمی‌گیرند و به‌درستی باید آنها در زمره تعهدات به وسیله قرار داد.

۶. آثار حقوقی تفسیر تعهد به نتیجه

بسته به اینکه تعهدات دولت را در دسته‌بندی تعهدات به وسیله یا تعهدات به نتیجه قرار دهیم، شاهد آثار حقوقی متفاوتی خواهیم بود. قابلیت مطالبه قضایی در نتیجه فرض مسئولیت مدنی برای دولت و امکان استناد قضایی به واسطه تغییر بار اثبات دلیل، از ثمرات به نتیجه تلقی کردن تعهدات دولت در اصل سوم است که در ادامه به تفصیل به این مسئله می‌پردازیم.

۶-۱. قابلیت مطالبه قضایی

بر اساس تقسیم‌بندی هوفلد از حق، می‌توان بیان داشت که حقوق ملت مندرج در اصل سوم در برابر دولت از نوع حق- ادعا یا همان حق- مطالبه است. در واقع از ویژگی‌های حق، قابلیت مطالبه آن است. حق مطالبه‌ای، همان حق به معنای مضیق آن است. حق‌های مطالبه‌ای پیوسته در پیوند و هماهنگی با یک وظیفه متقابل هستند؛ بدین معنا که چون این حق‌ها در حقیقت ادعای بر غیرند. در مقابل وظیفه غیر در انجام و اجرای این گونه حق‌ها نمایان می‌شود (قاری، ۱۳۸۸، ص ۲۹)؛ به عبارت روشن‌تر لازمه حق مطالبه، وجود وظیفه‌ای در طرف مقابل است. بر اساس آنکه مسئولیت دولت در برابر تعهداتش در اصل سوم، صرفاً اخلاقی نبوده، بلکه از نوع مسئولیت‌های قانونی است، قابل مطالبه است. قابل مطالبه بودن حقوق مردم در برابر تعهدات دولت، به معنای فرض مسئولیت مدنی برای دولت است. در مسئولیت مدنی قصد شرط نیست، بلکه در اکثر موارد مجرد قصور کافی است.

هرچند در حقوق خصوصی، در تعهدات به نتیجه، تنها تحقق نتیجه ملاک است، فارغ از وسایل و ابزارهای به کار گرفته شده، اما در حوزه حقوق عمومی، تعهدات به نتیجه را از آن رو تعهد به نتیجه می‌نامیم که «تحقق کامل» آنها ملاک است و دولت در رفتاری که به این منظور پیش می‌گیرد، میزانی از اختیار عمل دارد و لذا اقدامات و وسایل به‌کارگرفته جهت حصول هدف ارزیابی می‌شود. مهم‌ترین وسایل در اختیار دولت جهت اجرای تعهد خود، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و فراهم‌سازی بسترهای اجرایی و همچنین تخصیص بودجه در این موارد است. کوتاهی در وضع قوانین و

آیین‌نامه‌های اجرایی را باید نوعی تقصیر دولت در انجام تعهدات خود، به حساب آورد؛ زیرا این ابزار و وسایل تنها در ید دولت است؛ همچنین اولویت‌بندی بودجه به نحوی که بسترهای مالی انجام تعهدات دولت را فراهم کند، از دیگر وظایف دولت است که غفلت از آنها موجب مسئولیت دولت می‌شود.

ضمن پذیرش نقش مردم در تحقق برخی از بندهای اصل سوم، اما مواردی که وسایل تحقق آنها تنها در ید اختیار دولت است و نقش کنشگری مردم تقریباً هیچ است و نمی‌توان از مسئولیت دولت کاست. هرچند فرد موضوع فعال تمام پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی است و از وی انتظار می‌رود که هرگاه که ممکن است، از طریق تلاش‌های خودش و استفاده از منابع خود، برای تضمین ارضای نیازهایش به‌طور فردی یا با دیگران، راه‌هایی را پیدا کند؛ اما استفاده از منابع خود شخص مستلزم این است که این فرد منابعی - نوعاً زمین یا سرمایه مولد دیگر یا کار - داشته باشد تا بتواند استفاده کند (ایده، ۱۳۹۱، ص ۴۱). بر این اساس مناسب است تأمین حداقل‌ها و برطرف کردن موانع و فراهم کردن بسترهای لازم جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و استعدادها جهت توانمندسازی شهروندان را از تعهدات ابتدایی و فوری دولت‌ها قلمداد کنیم.

مشابه این دیدگاه‌ها در برخی محاکم بین‌المللی و برخی کشورها وجود دارد. به موجب ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر هر کس حق دارد که نقض حقوق بشر خویش را در دادگاه‌های داخلی، احقاق نماید. مطابق «اصل تقسیم‌ناپذیری در حقوق بشر» (Incompatibility) مفاد این ماده بر تمامی حقوق اعم از مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مجری است. هرچند نویسندگان میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر خلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تعمداً به امکان دادخواهی نسبت به این حقوق اشاره نکرده‌اند؛ اما با توجه به آنکه بسیاری از حقوق میثاق قابل اجرای فوری است، رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برخی موارد به گونه‌ای است که این حقوق را قابل پیگیری می‌داند و معتقد است هیچ حقی در میثاق نیست که بتوان آن را در اکثریت وسیعی از نظام‌ها فاقد حداقل برخی از ابعاد مهم قضاوت‌پذیر دانست (General Comment 9, 1998).

هرچند در محاکم داخلی برخی کشورها، تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی همانند حقوق سیاسی و مدنی قابلیت دادخواهی دارند (طجرلو، ۱۳۹۳، ص ۱۷۴-۱۷۶)، اما به نسبت، کمتر در فرایند قضایی محاکم داخلی دولت‌ها مورد استناد قرار می‌گیرند. تفسیر ماده ۲ میثاق، مطابق اصول لیمبورگ (The Limburg Principles) در مورد اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر می‌کند که «اگرچه تحقق کامل حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور تدریجی به دست می‌آید، درخواست برخی حقوق می‌تواند فوراً قابل دادخواهی باشد؛ درحالی‌که حقوق دیگر می‌توانند قابل دادخواهی باشند» (The Limburg principles, 1987). این امر به تفکیک میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در میثاق باز می‌گردد که بدین وسیله میان زمان اجرای آنها قائل به تمایز شده است. برخی از این حقوق حسب ماهیت خویش به اجرای تدریجی وابسته‌اند؛ اما برخی از آنها باید بلافاصله به موقع اجرا گذارده شوند (همان، ص ۳۴۵). کمیته در تفسیر عمومی خود از ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان می‌کند؛ حتی در جایی که منابع در اختیار به‌وضوح ناکافی است، این تعهد بر دوش دولت سنگینی می‌کند که تلاش کند بیشترین حد ممکن بهره‌مندی از حق‌های ذی‌برط در اوضاع و احوال حاکم را تأمین کند (میتیوسی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸).

فرض مسئولیت مدنی برای دولت به معنای پذیرش امکان مطالبه خسارت توسط شهروندان است؛ البته در اینکه جبران خسارت از چه نوع باشد، فرضیه‌های متعددی وجود دارد؛ برای مثال می‌توان در مواردی جبران خسارت مالی باشد، در مواردی به دلیل نبود امکانات و محرومیت‌های تحصیلی می‌توان امتیاز ویژه‌ای برای فرد قائل شد و به اصطلاح در حق وی «تبعیض روا» اعمال کرد. در مواردی شاید بتوان به دلیل عدم تحقق حداقل‌های اقتصادی و سطح آگاهی ناکافی، در مجازات شهروند تخفیف قائل شد. این موضوع از یک سو نیازمند بررسی‌ها و مطالعات بیشتر و از سوی دیگر مستلزم بلوغ و پذیرش دستگاه قضایی و نهادهای حاکم است. در این راستا می‌توان از رویه محاکم خارجی نیز بهره جست.

۲-۶. امکان استناد در آرای قضایی

هر تعهدی در برابر یک حق ایجاد می‌شود. متعهد در قبال تعهد خود باید پاسخگو باشد. بسته به نوع تعهد، عنوان پاسخگویی متفاوت می‌شود. در تعهد به وسیله، عنصر «تقصیر» عدم ایفای تعهد را اثبات می‌کند و متعهد را در کرسی پاسخگویی قرار می‌دهد؛ در حالی که در تعهدات به نتیجه، متعهد در معرض پاسخگویی قرار دارد، مگر اینکه اثبات کند قوه قاهره مانعی در جهت ایفای تعهداتش ایجاد کرده است. در واقع در ادبیات حقوقی هرگاه بار اثبات علت عدم اجرا بر عهده دولت باشد، این تعهد، تعهد به نتیجه محسوب می‌شود (تفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۲).

هرچند در صورتی که تعهدات دولت را تعهد به وسیله بدانیم، باز هم امکان استناد به اصل سوم در آرای قضایی وجود دارد و شهروند با استناد به قصور دولت در انجام تعهداتش می‌تواند مسئولیت دولت را اثبات کند، اما در تعهد به نتیجه، امکان استناد به اصل سوم در آرای قضایی تسهیل می‌شود. در واقع وقتی تعهدات دولت در اصل سوم را تعهد به نتیجه بدانیم و اصل اولی را بر این قرار دهیم، در این صورت اگر شهروندی به دلیل عدم فراهم شدن امکانات و اقدامات موضوع اصل سوم اقدام به دادخواهی کند، بار اثبات اینکه دولت به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل کرده یا خیر، بر عهده دولت است و اصل بر این است که نارضایتی شهروندان در تحقق بندهای اصل سوم نشان می‌دهد که دولت به تعهدات رسمی خود عمل نکرده است؛ مگر اینکه دولت اثبات نماید به تمام وظایف و مسئولیت‌های خود عمل نموده و تمام اقدامات لازم را انجام داده است و با این حال نتوانسته است تحقق کامل یا جزئی تعهدات خود در اصل سوم را به منصفه ظهور برساند. بنابراین اگر دولت نتواند ادعای خود را در این رابطه اثبات نماید، قاضی بر اساس اصل سوم، دولت را مسئول می‌شناسد.

جنگ و شرایط نابسامان دهه اول انقلاب در کشور و متعاقب آن دوران بازسازی، از علل قهریه‌ای بود که بر پایه آن نمی‌توان دولت را در قبال عدم انجام تعهداتش مسئول دانست؛ در حالی که در شرایط با ثبات و آرام‌تر امروز و وجود منابع مالی کافی به شرط تخصیص بهینه، از دولت انتظار می‌رود که کمر همت در ایفای تعهدات خود ببندد، تا

از این رهگذر به هدف تشکیل حکومت اسلامی که همانا برقراری قسط و عدل و اقامه دین و فضایل اخلاقی است نیز نایل آید.

نتیجه گیری

اصل سوم قانون اساسی مشتمل بر مجموعه‌ای از تعهدات دولت در قبال حقوق سیاسی و مدنی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ملت است. برگرفته از تقسیم‌بندی مألوف در حقوق خصوصی، تعهدات دولت را به تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه تقسیم می‌کنند. در تعهد به وسیله وظیفه متعهد فراهم کردن وسیله و تلاش جهت حصول هدف است و در صورت تقصیر مسئول شناخته می‌شود؛ درحالی‌که در تعهد به نتیجه متعهد ملزم به حصول به نتیجه است و صرف عدم دستیابی به نتیجه موجب مسئولیت وی می‌گردد. در رابطه با تعهدات دولت در اصل سوم قرائت‌هایی مطرح است. نظر غالب به «وسیله‌بودن کلیه تعهدات دولت» در بندهای اصل سوم اشاره دارد. عبارت «امکانات موجود» در صدر اصل، تأکید بر نقش توأمان دولت و ملت در تحقق اهداف از جمله مستندات این گروه است. این عقیده را می‌پذیریم که اعتقاد به تعهدات به نتیجه در خصوص همه بندهای اصل سوم صحیح نیست؛ چراکه تحقق برخی از بندها مستلزم مشارکت مردم و برخی دربرگیرنده عامل خارجی است؛ اما از سوی دیگر تفصیل بین بندهای اصل سوم در خصوص تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه، مد نظر ما و مقرون به صواب می‌باشد. قصد قانون‌گذار به نحو ضمنی و رویه شورای نگهبان در رابطه با استناد به برخی از بندها از دلایل مثبت این تفصیل است. همچنین توجه به انحصار امکانات و ابزارهای دولت در تحقق برخی بندها و بالتبع امکان نادیده‌انگاشتن نقش ملت در تحقق آنها به همراه شاخصه موضوع تعهد از دیگر دلایل مدعای ماست. به واسطه تغییر اوضاع و احوال و بهبود شرایط پس از گذشت سه دهه از انقلاب، لازم است به دو گانه تقسیم تعهدات به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه در رابطه با تعهدات دولت و پذیرش نوع دوم از تعهدات وفادار نماییم، بلکه قائل به آمیزه‌ای از دو نوع تعهد بسته به شرایط موجود گردیم.

از منظر دیگر می‌توان بیان داشت که استبعاد شکل گرفته از فرض تعهد به نتیجه در

خصوص تعهدات دولت، به فرضِ عدم امکانِ تحققِ تمامیِ حق‌ها به نحوِ آنی و فوری باز می‌گردد؛ درحالی‌که در برخی از اسناد بین‌المللی نیز شاهد آنیم که تعهدات به نتیجه به تعهدات فوری و تدریجی تقسیم شده است. تعهدات در حداقل‌های حقوق را از نوع تعهدات فوری و در خصوص سطوح بالاتر را که نیازمند رشد و توسعه اقتصادی است، از نوع تعهدات تدریجی دانسته‌اند که مستلزم پیمودن فرایندها و بسترسازی‌ها در طول زمان است. البته در این نوع تعهدات نیز اقدامات دولت از حیث معقول‌بودن و متناسب‌بودن در راستای تحقق کامل حق‌ها ارزیابی می‌شود.

می‌توان چنین بیان داشت که تعهدات دولت در قبال حقوق مدنی و سیاسی از نوع تعهد به نتیجه و در قبال تعهدات اقتصادی و اجتماعی در خصوص حداقل‌ها، تعهد به نتیجه فوری و در رابطه با سطوح بالاتر تعهد به نتیجه تدریجی است. در رابطه با حداقل‌ها، امکان مطالبه به دلیل فوریت تعهد وجود دارد و در مورد سطح فراتر از حداقل‌ها که ماهیت حصول تدریجی دارند، با توجه به بهبود شرایط و فراهم‌آمدن امکانات در برخی زمینه، در آن خصوص قابل مطالبه دانست؛ بنابراین می‌توان پارادایم حاکم بر تفسیر اصل سوم را که مبتنی بر تعهد به وسیله بودن است، به هم ریخت و حداقل در بندهایی از این اصل بر تعهد به نتیجه پافشاری کرد. ثمره حقوقی بحث در فرض مسئولیت مدنی برای دولت و امکان مطالبه خسارت به طرق مختلف و سهولت در استناد به اصل سوم در آرای قضایی به واسطه تغییر بار اثبات دلیل می‌باشد.

منابع

۱. ادیب، مجید؛ اصول مسئولیت مدنی؛ چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۲.
۲. امامی، سیدحسن؛ حقوق مدنی؛ چ ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۰.
۳. ایده، آسبیرون، کاتارینا کراورزه و الن روساس؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ترجمه گروه مترجمان، چ ۲، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۱.
۴. تفرشی، محمدعسی و عبدالحمید مرتضوی؛ «مطالعه تطبیقی تعهد به وسیله و به نتیجه در فقه، حقوق فرانسه و ایران»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق؛ ش ۱۵، ۱۳۸۸، ص ۱۱-۳۲.
۵. جعفری لنگرودی، جعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق؛ ج ۲، چ ۳، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸.
۶. حبیب‌نژاد، سیداحمد و عالیہ اسمعیلی‌زاده؛ حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی؛ چ ۱، تهران: مجد، ۱۳۹۵ الف.
۷. —؛ «ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم فقهی-اسلامی»، مجله فقه و حقوق؛ ش ۸، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵-۱۴۸.
۸. —؛ «شرایط اعمال تحدید حقوق و آزادی‌ها با تأکید بر تحدید به نام نظم عمومی»، فصلنامه حقوق تطبیقی؛ ش ۱۰۵، ۱۳۹۵ ب، ص ۵۳-۷۸.
۹. حبیب‌نژاد، سیداحمد، محمد رجبی و زهرا میرزایی؛ «ضمانت‌های کیفری حق‌های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران» (تألیف مشترک)، فصلنامه جزا و جرم‌شناسی؛ ش ۱، ۱۳۹۵، ص ۱-۲۴.
۱۰. رحمانی، علی و علی فتاحی زفرقندی؛ سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸: بررسی اصل سوم، موضوع جلسه دوازدهم مشروح مذاکرات؛ تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.

۱۱. سنهوری، عبدالرزاق؛ دوره حقوق تعهدات؛ ترجمه محمدحسین دانش‌کیا و سیدمهدی دادمرزی؛ چ ۱، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۲.
۱۲. طجرلو، رضا؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر؛ چ ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۳.
۱۳. عمید زنجانی، عباس‌علی؛ فقه سیاسی؛ ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۴. فتحی، محمد؛ اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان: بررسی اصل سوم؛ تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳.
۱۵. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت»، مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹-۲۶۵.
۱۶. —؛ حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع)؛ چ ۱، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸.
۱۷. قهرمانی، نصرالله؛ مسئولیت مدنی و کیل دادگستری؛ چ ۲، تهران: دادگستر، ۱۳۸۴.
۱۸. کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها؛ ج ۴، چ ۹، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
۱۹. —؛ فلسفه حقوق؛ ج ۳، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۲۰. گواستنی، ریکاردو؛ «تأملی پیرامون ضمانت‌های حقوق اساسی و نظریه تفسیر»، ترجمه اردشیر امیرارجمند؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۱۰، ۱۳۷۱، ص ۳۶۷-۳۸۲.
۲۱. متیوسی، آرکریون؛ چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌الملل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ترجمه محمد حبیبی مجنده؛ چ ۱، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۸.
۲۲. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۳. نصیری خوزانی، مصطفی، پایان‌نامه جبران خسارت ناشی از نقص قرارداد؛ به راهنمایی حسنعلی درودیان؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۲۴. وکیل، امیرساعت و پوریا عسکری؛ قانون اساسی در نظم کنونی؛ چ ۴، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۱.

25. **Yearbook of the International Law Commission on the work of its twenty-ninth session**; New York, United Nations Publication, 1978.
26. General Comment 9, The domestic application of the Covenant, Nineteenth session, Geneva, 1998.
27. Hervey, Tamara K and Kenner, Jeff; **Economic and Social Rights under the EU Charter of Fundamental Rights_ A Legal perspective**; North America, Hart publishing, 2003.
28. Loveland, Lan; **Constitutional Law Administrative Law and Human Right**; Oxford university press, 2009.
29. Payne, Michael; **Henry Shue on Basic Rights: A Biannual Journal Essays in Philosophy**; Vol.9, 2008.
30. The Limburg Principles on the Implementation of the International of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, United Nation, 1987.